سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۸، صفحات ۸۹–۶۱

بررسی سیاست‌های کاهش فقر بر اساس اسناد فرادستی با رویکرد آینده‌نگاری منطقه‌ای، مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان، ایران

محمد قاسمی
استادیار گروه مدیریت دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)
Mohammadghasemi@yahoo.com
نیما وکیلی
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
nimavakili725@yahoo.com
نادیا وکیلی
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
nadiavakili@yahoo.com

هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی راهکارهای مؤثر جهت کاهش فقر بر اساس اسناد فرادستی با رویکرد آینده‌نگاری منطقه‌ای است. روش این مطالعه با توجه به گزاره‌های تحقیق، از نوع توصیفی و کیفی است که در دو مرحله کتابخانه‌ای و اجرای روش دلفی و با مراجعه به ۳۷ نفر از خبرگان دانشگاهی و افراد اجرایی در زمینه اقتصاد و مدیریت انجام شده است. در مرحله اول با رویکرد اکتشافی- تطبیقی، سیاست های کاهش فقر بر اساس اسناد فرادستی شناسایی شده و نیز مهم‌ترین راهکارهای مؤثر جهت کاهش فقر احصاء شدند. در ادامه، با بهره‌گیری از پارادایم هنجاری و برنامه‌ریزی با رویکرد وفادارانه به اسناد بالادستی چارچوب مفهومی تحقیق ارائه شده و سپس، چارچوب مفهومی پیشنهادی با استفاده از روش تحقیق کیفی و مراجعه به خبرگان و کسب نظر آن‌ها در طی سه دور دلفی اعتبارسنجی و مدل نهایی تحقیق طراحی شد. بر اساس یافته های این پژوهش، راهکارهای مؤثر جهت کاهش فقر بر اساس اسناد فرادستی با ۵ سیاست کلی (سیاست‌های سند چشم‌انداز، سیاست‌های کارآفرینی، سیاست‌های بانک مرکزی، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، سیاست‌ها و برنامه ششم توسعه) شناسایی شده و در مورد ۱۲ مؤلفه سیاست‌های کاهش فقر بر اساس اسناد فرادستی با رویکرد آینده‌نگاری با مقدار ضریب توافق کندال ۰/۵۸۴ بین صاحب‌نظران اجماع و اتفاق نظر حاصل شد. همچنین، بررسی نظرات خبرگان درباره عوامل تأثیرگذار در مقابله با کاهش فقر نشان داد اقدامات مربوط به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و برنامه‌های ششم توسعه به ترتیب در رتبه‌های اول و دوم اولویت‌بندی اعضای پانل قرار گرفته است.

طبقه‌بندی JEL: G21, G28, M41.
واژگان کلیدی: سیاست‌های کاهش فقر، اسناد فرادستی، سیستان و بلوچستان.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

۱. مقدمه

از مشکلات عمده جوامع امروز پدیده «فقر[1]» است. به‌گونه‌ای که یکی از مهم‌ترین چالش فراروی توسعه پایدار محسوب می‌شود. فقر یعنی اینکه نیازهای اولیه افراد تأمین نشود و حیات آنان به خطر افتد که البته به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هرکشور نیز بستگی دارد. امروزه جامعه‌شناسان معضل فقر اقتصادی را در ارتباط با ساخت وسیع‌تر جامعه، یعنی نابرابری‌های اجتماعی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار می‌دهند. از آنجا که فقر نتیجه نابرابری‌های اجتماعی و به نوبه خود تداوم‌بخش نابرابری است، نمی‌توان معضل فقر را جدا از نابرابری‌ها و قشربندی‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار داد. فقر همواره به عنوان یک مسئله جهانی مطرح بوده است و ریشه گرفتاری‌ها و عقب‌ماندگی‌های بخش اعظم دنیا، از جمله بخش مهمی از جامعه را تشکیل می‌دهد. تحقیقات مختلف از افزایش نابرابری و فقر در جهان خبر می‌دهد. در برنامه‌های توسعه اقتصادی هرکشوری، کاهش فقر همواره به عنوان یک هدف اصلی مطرح است. در راستای اجرای سیاست‌های مؤثر و پایدار کاهش فقر، شناسایی عوامل و اجزای تشکیل‌دهنده این پدیده اجتماعی دارای اهمیت است (درویشی و همکاران، ۱۳۹۷). دولت در کنار نقش‌های قانونی، تخصیصی و تثبیتی نقش توزیعی نیز بر عهده دارد؛ زیرا در چارچوب نارسایی‌های بازار، تنها نارسایی در کارآیی، تخصیص منابع و تثبیت اقتصادی مطرح نیست، بلکه مشکلات دیگری نیز وجود دارد که یکی از آن‌ها مشکل غیرعادلانه بودن توزیع درآمد و وجود فقر و نابرابری است (سپهردوست و زمانی، ۱۳۹۴). با نگاهی کوتاه به تاریخ بشری مشاهده می‌شود مسئله فقر در جوامع مختلف همواره یکی از موضوعات مورد بحث کارشناسان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده است. از این رو یکی از اهداف اصلی توسعه اقتصادی، زدودن فقر از جامعه عنوان می‌شود. شکل‌گیری دولت رفاه، سیستم تأمین اجتماعی، سیاست‌های حمایتی دولت‌ها و قرار گرفتن برنامه‌های فقرزدایی در رأس دستور کار دولت‌ها، نمونه‌ای از تحولات انجام گرفته در مبارزه با فقر است. مبارزه با فقر و محرومیت

1. Poverty

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

اجتماعی از اهداف اصلی کشورها برای رشد اقتصادی پایدار و فراگیر است. در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، حمایت‌های مالی دولت و سیستم‌های تأمین اجتماعی با هدف حمایت از شهروندان در برابر خطرات مربوط به دوران پیری، بیماری، اشکال مختلف ناتوانی، بیکاری و فقر به دلیل شرایط خاص مانند زنان سرپرست خانوار، یتیمان و یا بزرگ شدن بُعد خانوارها به وجود آمدند (تانزی، ۲۰۰۲). جهت‌گیری برنامه‌ریزان اقتصادی کشورهای مختلف در طول دو دهه اخیر، از رشد سریع اقتصادی به توسعه انسانی، کاهش فقر و نابرابری معطوف شده است و این موضوعات دغدغه اصلی در برنامه‌های توسعه کشورهای مختلف است. یکی از مسائل عمده سیاست‌گذاری اقتصادی- اجتماعی، موضوع فقر و راهکارهای مقابله با آن است. در ایران مبارزه با فقر و حرکت به سوی عدالت اجتماعی یکی از ارکان اصلی سیاست‌های کلی نظام قلمداد شده است که در اغلب اسناد بالادستی که خط‌مشی سیاست‌ها را تعیین می‌کند، این رهنمون مشهود است و با توجه به خط‌مشی‌های کلی سیاست‌هایی اتخاذ شده است. در این میان ارزیابی عملکرد سیاست‌های کاهش فقر در گذشته و شناسایی کامیابی یا ناکامی برنامه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» مورد توجه قرارگرفته است و در ماده ۴۳ به موضوع فقر پرداخته شده و برای ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای اساسی افراد در کنار تأمین استقلال اقتصادی اهدافی مشخص شده و برای دستیابی به آن‌ها ضوابط اقتصادی برنامه‌ریزی‌شده است. یکی از بندهای هشت‌گانه چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ تماماً به موضوع فقر و توزیع درآمد معطوف است که ویژگی‌ای که برای ایران در افق چشم‌انداز بیان کرده کشوری برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب است. فقر از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

مورد توجه قرار گرفته است. در بند نخست، به لزوم شکل‌گیری سیاست‌ها با تأکید بر «ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط» اشاره شده است؛ در بند سوم، «ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی» یکی از اهداف استفاده مناسب از ظرفیت هدفمندسازی یارانه ها معرفی شده است؛ همچنین در بند چهارم، سیاست ها نیز مستقلاً به سهم‌بری عادلانه عوامل تولید تأکید شده است. از جمله برنامه‌های ملی مرتبط با اقتصاد مقاومتی می‌توان به برنامه ملی هدفمندسازی یارانه‌ها و برنامه ملی مردمی کردن اقتصاد اشاره داشت، اما بدون شک مهم ترین مورد، برنامه ملی عدالت‌بنیان کردن اقتصاد و توسعه عدالت اجتماعی است که ذیل این برنامه می‌توان طرح‌هایی همچون طرح عدالت منطقه‌ای، طرح عدالت بین نسلی، طرح توانمندسازی فقرا و محرومان و طرح سهم‌بری عادلانه عوامل تولید را مشاهده کرد. در برنامه ششم توسعه نیز همچون سایر اسناد بالادستی، فقر و نابرابری حائز اهمیت است. در کنار هدف‌گذاری رشد متوسط ۸ درصد در سال، در طول برنامه ششم توسعه، دست‌یابی به ضریب جینی ۰/۳۴ در سال پایانی برنامه از جمله اهداف اصلی برنامه ششم توسعه است. به جز این هدف اصلی در زمره اهداف فرعی برنامه ششم توسعه نیز می‌توان بهبود شاخص‌های فقر، از جمله بهبود شاخص‌های فقر چندبعدی را مشاهده کرد. در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه نیز بر توانمندسازی و خوداتکایی اقشار و گروه‌های محروم در برنامه های مربوط به رفاه و تأمین اجتماعی صراحتاً تأکید شده است. در قانون برنامه ششم توسعه در ماده ۲ توانمندسازی محرومان و فقرا (با اولویت زنان سرپرست خانوار) مورد اشاره قرارگرفته است. همچنین بخش پنجم قانون برنامه ششم توسعه با عنوان «توازن منطقه ای، توسعه روستایی و توانمندسازی فقرا» بیشترین توجه را به موضوع فقر دارد. اختصاص دو درصد از درآمد حاصل از فروش نفت خام و میعانات گازی به شهرستان ها و مناطق کمتر توسعه‌یافته جهت اجرای برنامه های عمرانی، از جمله احکامی است که می‌توان برای مقابله با فقر، توانمندسازی و حمایت اقشار ساکن در مناطق محروم در این فصل مشاهده کرد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

۲. مبانی نظری

۲-۱. مفهوم فقر

فقر یکی از مشکلات اساسی جوامع بشری و نشانه بارز توسعه‌نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت روانی را در اقشار جامعه به خطر می‌اندازد. کاهش فقر به عنوان نخستین هدف از مجموعه اهداف توسعه هزاره و بزرگ‌ترین چالش جهانی است (قطرس و قدسی، ۱۳۹۳). سازمان ملل متحد نرخ رشد سالانه ۹ درصد در تولید ناخالص ملی را به عنوان شاخص توسعه کشورها اعلام داشت؛ اما با وجود این تغییر موضعی بنیادین در گزارش‌های علمی آن از ابتدای دهه ۱۹۵۰ در خصوص شاخص‌های توسعه و اضافه کردن شاخص‌های اجتماعی به این مفهوم دیده می‌شود (سادات مصطفوی و حقیقت نائینی، ۱۳۹۷). به عبارتی دیگر توسعه تا پیش از این معنای صرفاً اقتصادی داشته و کشورهایی توسعه‌یافته تلقی می‌شدند که اقتصاد ملی آن‌ها دارای نرخ رشد ناخالص بالایی بود؛ اما از زمان ظهور اندیشه توسعه به عنوان یک مسئله جهانی در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، همواره یکی از اهداف توسعه، دستیابی به استانداردهای بهتر زندگی و افزایش رفاه اجتماعی دانسته شده است (گزارش سازمان ملل متحد[1]، ۲۰۱۵). در حقیقت شکست برنامه‌ها و تجارب علمی با تکیه صرف بر مسائل اقتصادی، اندیشمندان و دولتمردان را وادار کرد تا به جنبه‌های اجتماعی توسعه نیز توجه کنند. امروزه هیچ نظریه‌پرداز توسعه‌ای بر یک بعد بودن توسعه تأکید نداشته و وجوه چندگانه‌ای اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، سیاسی و ... را برای آن قائل است (سادات مصطفوی و حقیقت نائینی، ۱۳۹۷). در پاسخ به چنین وضعیتی و به منظور جلوگیری از توسعه فقر بسیاری از اندیشمندان و سیاست‌گذاران و حتی اقشار مردم به بحث می‌پردازند. اساس بحث آن‌ها این است که برای برخورد با مسئله فقر باید مشکل به‌درستی شناسایی شود؛ اما شناخت این افراد از مسئله فقر به یک میزان نبوده و متفاوت است (ارشدی و کریمی، ۱۳۹۲). فقر، مانند نیازهای بنیادی؛ یک

1. United Nations

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

مفهوم پویاست (اکبری، ۱۳۹۳). فقر پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است و ابعاد گوناگون آن در کنش رو در روی همدیگر است. به دلیل طبیعت چندبعدی فقر و فقیر، ارائه تعریف جامع و دقیقی از اصطلاح فقر مشکل است. فقر را می‌توان از جهات گوناگون تعریف و تقسیم‌بندی کرد (وایتس و همکاران[1]، ۲۰۰۲). درواقع، تعاریف فقر بر حسب مکان و زمان متفاوت از هم بوده و از این لحاظ بین محققان اختلاف نظر وجود دارد، ولی اکثر این محققان در خصوص نیاز به تعریف فقر اتفاق نظر دارند. تانسند[2] در مطالعات خود در خصوص فقر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تعریفی از فقر ارائه داد که با توجه به یافته‌هایش بسیار مهم بود و به طور گسترده‌ای از آن استفاده شد. این تعریف به این صورت است؛ افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند (ارشدی و کریمی، ۱۳۹۲).

درمجموع فقر یکی از پدیده‌های نامطلوب اجتماعی است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران همواره در پی کاهش و حذف آن اقدام کرده‌اند. موفقیت برنامه‌های فقرزدایی به همان اندازه که سیاست‌ها و چگونگی اجرای برنامه‌ها وابسته است، به شناسایی دقیق پدیده فقر و معرف‌های آن نیز بستگی دارد (خلج و یوسفی، ۱۳۹۳). به طور کلی پدیده فقر از سال‌های بسیار دور وجود داشته و کشورهای متعددی را درگیر ساخته است؛ بنابراین، کاهش و یا ریشه‌کن کردن فقر به عنوان یک مسئله مهم در بسیاری از کشورها از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دنبال می‌شود (سادات مصطفوی و حقیقت نائینی، ۱۳۹۷). به عبارتی دیگر پاسخ به سؤالاتی چون آیا فقر بین فقرا کاهش یافته است یا افزایش؟ آیا شکاف فقر بهبود یافته است؟ سیاست‌های دولت در جهت فقرزدایی چه تأثیری داشته است؟ چه عاملی بیشترین تأثیر را بر روند فقر دارد؟ همواره دغدغه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده است (شریف آزاده و انتظار، ۱۳۹۰).

1. Whaites et al
2. Townsand

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

در یک بررسی مفهومی فقر به دو نوع یعنی فقر مطلق و فقر نسبی تقسیم می‌شود (ارشدی و کریمی، ۱۳۹۲) (جدول ۱).

جدول ۱. مقایسه فقر مطلق و عینی

فقر نسبی	فقر مطلق
ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود	یک موضوع عینی است که بر پیه حداقل معاش[1] شکل گرفته است و منظور از حداقل معاش حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است

مأخذ: ارشدی و کریمی، ۱۳۹۲

وروانتری در اواخر قرن نوزدهم تلاش کردند که بین فقر مطلق و نسبی تمایز قائل شوند. فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است و لذا بستگی به چگونگی تعریف حداقل معاش دارد و فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است. بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. به منظور دستیابی به عمق نابرابری در توزیع درآمد (یا مصرف) بین افراد یا خانوارها می‌توان درصد کل درآمد دریافت شده توسط فقیرترین قشر جامعه را با درصد درآمد دریافت شده توسط ثروتمندترین قشر مقایسه کرد. البته باید توجه داشت که این مفهوم در کشورهای مختلف به صورت‌های مختلف تعریف می‌شود و در طی زمان بر اثر تحولات اقتصادی نیز تغییر یافته است (وان دون کلار و همکاران[2]، ۲۰۱۵).

۲-۲. راهکارهای مختلف کاهش فقر

راهکارهای کاهش فقر را می‌توان به سه دسته کلی سیاست‌های مستقیم کاهش فقر، خدمات اجتماعی عمومی و عوامل نهادی تقسیم‌بندی کرد. در ادامه نقش هرکدام از این راهکارها در کاهش فقر به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. Subsistence
2. Van Donkelaar et al

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

۲-۲-۱. سیاست‌های مستقیم کاهش فقر

در حال حاضر شاید کمتر اقتصاددانی معتقد است که رشد همه آن چیزی است که برای بهبود زندگی فقرا نیاز است. بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته، رشد اقتصادی را با مداخله‌های ضد فقر تکمیل کرده‌اند. این مداخله‌ها شامل اصلاحات اراضی، اعتبارهای خرد و طرح‌های اشتغال عمومی، پرداخت یارانه و ... هستند. کدامیک از این سیاست‌ها در کاهش فقر بیشتر اثربخش بوده‌اند؟ درواقع یک ترکیب از همه این سیاست‌ها، عموماً اثربخش‌تر از هریک به‌تنهایی است و هرکدام جنبه‌های مختلفی از فقر را تحت تأثیر قرار می‌دهند (برای مثال فقر مزمن در مقابل فقر گذرا). به هر حال مهم است توجه داشته باشیم، بعید است که سیاست‌های کاهش فقر به‌تنهایی کاهش فقر پایدار را به همراه داشته باشد. آنچه نیاز است ترکیبی از رشد به نفع فقرا و مداخله‌های مستقیم است (غفاری، ۱۳۹۳).

۲-۲-۲. خدمات اجتماعی عمومی

ابزار دیگر برای مبارزه با فقر، بهبود دسترسی به خدمات اجتماعی، به‌خصوص بهداشت و آموزش برای فقرا است (غفاری، ۱۳۹۳). خدمات عمومی به طور کلی به عنوان فعالیت‌هایی که منفعت عمومی دارند و در ابتکار عمل نهادهای عمومی هستند، تعریف می‌شود (ملک شاهی و وکیلی، ۱۳۹۶). نه تنها سطوح اولیه بهداشت و آموزش حق فقراست، بلکه این امور در شتاب بخشی به کاهش فقر مهم هستند، به طوری که به فقرا اجازه می‌دهند از فرصت‌های ایجاد شده توسط رشد اقتصادی بهره‌مند شوند؛ اما در بسیاری از کشورها، فقرا دسترسی فیزیکی (جغرافیایی) و اقتصادی کمتری به خدمات آموزشی و بهداشتی دارند. این امر سبب سلامت و سواد کمتری در فقرا می‌شود. بنابراین یک دوره فقر شکل می‌گیرد و فقر باعث بیماری، سوءتغذیه و بی‌سوادی می‌شود که این‌ها به نوبه خود باعث تداوم فقر می‌شوند (غفاری، ۱۳۹۳). حتی اگر دسترسی جغرافیایی به خدمات اجتماعی برای فقرا و غیرفقرا یکی باشد، در مناطق شهری هزینه بالای به دست آوردن این خدمات به عنوان یک عامل بازدارنده در استفاده فقرا است (بانک توسعه آسیا، ۲۰۱۰؛ به نقل از نسترن و همکاران، ۱۳۹۲).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

۲-۲-۳. عوامل نهادی

محدودیت‌های نهادی مرز فعالیت اقتصادی را که سازمان‌های اقتصادی در آن فعالیت می‌کنند دیکته می‌کنند و به این ترتیب کنش متقابل قوانین بازی و رفتار کنشگران صحنه فعالیت اقتصادی را قابل درک می‌کنند. دلیل اینکه سازمان‌ها از جمله بنگاه‌ها، اتحادیه‌های تجاری، گروه‌های دهقانان و احزاب سیاسی تلاش‌های خود را به فعالیت‌های بی‌ثمر تخصیص می‌دهند آن است که محدودیت‌های نهادی ساختار انگیزشی لازم را برای این قبیل فعالیت‌ها فراهم می‌آورند. کشورهای جهان سوم به این علت فقیرند که محدودیت‌های نهادی مجموعه‌ای از پاداش‌ها را تعریف کرده‌اند که فعالیت‌های ثمربخش را تشویق نمی‌کنند (نورث، ۱۳۸۵ به نقل از غفاری، ۱۳۹۳). عوامل نهادی هم به طور مستقیم و هم از طریق اثرشان روی رشد اقتصادی و سیاست‌های مستقیم کاهش فقر و از طریق فراهم کردن خدمات اجتماعی در کاهش فقر مؤثر هستند. برای مثال محرومیت سیاسی می‌تواند باعث شود تعدادی از گروه‌ها از دسترسی به خدمات اجتماعی و برنامه‌های کاهش فقر محروم شوند. رشد کشاورزی می‌تواند به دلیل مسائل نهادی قانون‌گذاری و پیاده سازی ناکارآمد اصلاحات اراضی، کمتر به نفع فقرا باشد. علاوه بر این خطوط قرمز اجتماعی- فرهنگی و اعتقادی می‌تواند باعث شود تعدادی از گروه‌ها به طور عمد خودشان را از شرکت در برنامه‌های عمومی ضد فقر محروم کنند (غفاری، ۱۳۹۳).

۲-۳. نظام برنامه‌ریزی

مجموعه‌ای از قوانین و مقررات سازمان، تشکیلات و روش‌هایی است که به‌منظور تهیه و تدوین و چگونگی اجرا، نظارت و ارزشیابی برنامه‌های توسعه کشور طراحی شده‌اند (برنامه پنجم پنج‌ساله توسعه کشور، ۱۳۸۹؛ به نقل از بنافی و نوروزی، ۱۳۹۲).

نظام‌های سیاسی دنیا با توجه به دغدغه‌های فرارو، جهت‌گیری‌های راهبردی دستگاه مدیریتی ملی خود را به صورت پویا تبیین می‌کنند و این جهت‌ها در دوره‌های زمانی مختلف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت شکل داده می‌شوند (دانایی‌فرد، ۱۳۹۰). خط‌مشی‌ها، تعیین‌کننده محدوده اقدام دولت‌ها هستند. خط‌مشی عمومی مجموعه‌ای از اقدامات نسبتاً ثابت، مشخص، پایدار و

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

جهت‌مند دولت است که برای حل یک مشکل یا معضل اجتماعی طراحی می‌شود (اندرسون[1]، ۲۰۱۱). در فرآیند تدوین خط‌مشی‌های عمومی، بازیگران متعددی در عرصه‌های مختلف و در بازه‌های زمانی متغیر، بر سر راه‌حل‌های مسائل فراروی جامعه تعامل می‌کنند. هر یک از این بازیگران، اهداف، منافع، برداشت‌ها و دغدغه‌های خاص خود را نسبت به حل مسئله عمومی دارند (بنافی و نوروزی، ۱۳۹۲).

۲-٤. اسناد بالادستی

منظور از اسناد بالادستی (فرادستی)، اسنادی است که به تصویب بالاترین مراجع قانون‌گذاری کشور رسیده است و جنبه قانونی دارد. این اسناد باید محور برنامه‌ریزی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت کشور به همین منظور تحقق اهداف توسعه همه‌جانبه قرار گیرد (بنافی و نوروزی، ۱۳۹۲).

۳. پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت و ضرورت غیرقابل‌انکار بررسی موضوع فقر در سال‌های اخیر مطالعات نسبتاً قابل توجهی پیرامون فقر و فقرزدایی در سطح جهان و ایران انجام شده است که در این قسمت مروری بر مهم‌ترین و برجسته‌ترین آن‌ها خواهیم داشت.

ماگومبی و ادهیامبو[2] (۲۰۱۸) تأثیر دینامیک جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر کاهش فقر در آفریقای جنوبی از سال ۱۹۸۰ تا ۲۱۰۴ پرداختند. یافته‌های تجربی این مطالعه نشان می‌دهد که تأثیر FDI بر کاهش فقر به نمایندگی کاهش فقر و زمان مورد بررسی حساس است. این مطالعه رابطه معناداری را بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی و کاهش فقر در آفریقای جنوبی بدون توجه به اینکه آیا تجزیه‌وتحلیل در کوتاه‌مدت و یا در بلندمدت انجام می‌شود، یافت.

1. Anderson
2. Magombeyi et al

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

ایوانیک و مارتین[1] (۲۰۱۸) به بررسی کاهش رشد بهره‌وری و کاهش فقر پرداختند. این مطالعه پیامدهای بهبود بهره وری در کشاورزی، صنعت و خدمات برای فقر جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج نشان داد که در کشورهای فقیر، افزایش بهره‌وری کشاورزی به طور کلی، تأثیر کاهش فقر بیشتری نسبت به افزایش در صنعت و خدمات دارد.

براردی و مازو[2] (۲۰۱۷) با بررسی کشش فقر نسبت به رشد بخشی در کشورهای آفریقایی، بخش‌هایی که اثربخشی قوی‌تری بر کاهش فقر داشتند را شناسایی و بر راهبردهای توزیع مجدد برای جبران اثرگذاری ضعیف رشد بر کاهش فقر تأکید داشتند

رویلاک (۲۰۱۷) به بررسی نقش توسعه مالی در کاهش فقر پرداخت. نتایج نشان داد که هر دو افزایش مالی و دسترسی فیزیکی بیشتر در کاهش سهم افراد زیر خط فقر مفید است.

اریک و فاروک[3] (۲۰۱۲) به بررسی موفقیت دولت چین و ناکامی دولت پاکستان در زمینه کاهش فقر پرداختند. این مطالعه به بررسی مکانیزمی پرداخته که چین در سه دهه گذشته از طریق آن موفق به کاهش چشم‌گیر فقر شده است. دوره‌ای که دولت پاکستان در زمینه کاهش فقر ناکام بوده است. این موفقیت ریشه در عزم سیاسی دولتمردان و توان سازمانی قوی در چین داشت که در سطح کلان باعث ثبات شرایط اقتصادی و در سطح خرد باعث تقویت فقرا شد.

در مطالعه‌ای که توسط توکاتلیگو و ایکاک در آنکارا در طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۰ انجام شد به بررسی اثرات سیاست‌های کاهش فقر در کشورهای در حال گذار اروپای شرقی بررسی شده است. نتایج نشان داد که با افزایش هزینه‌های اجتماعی، نرخ خطر ابتلا به فقر به همان نسبت کاهش می‌یابد.

حبیبو و فان (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی کارایی برنامه‌های رفاهی کاهش فقر در ۱۰ استان کشور کانادا در طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۱ پرداخته‌اند. گوویا و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای، به

1. Ivanic & Martin
2. Berardi and Marzo
3. Arif and Shujaat Farooq

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

بررسی کارایی سیاست‌های حمایت اجتماعی برای کاهش فقر در اتحادیه اروپا و نقش وجوه ساختاری در طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۳ پرداختند. نتایج نشان داد که هزینه‌های حمایت اجتماعی، جمعیت با تحصیلات دبیرستانی و تجارت آزاد باعث افزایش کارایی انتقالات اجتماعی کاهش فقر شده و جمعیت بالای ۶۵ سال یک اثر منفی دارد.

درویشی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه تجزیه پویای فقر در طی چهار برنامه توسعه ایران، بر اساس روش جدید تجزیه شش‌جزئی نشان دادند که سه عامل جابه‌جایی جمعیت، توزیع مجدد درون‌گروهی و تورم، بیشترین سهم را در تغییرات فقر (افزایش یا کاهش آن) در مناطق شهری و روستایی دارند. بر اساس نتایج، جهت کاهش فقر در مناطق روستایی، سیاست‌های رشد فقرزدا و کاهش‌دهنده مهاجرت و در مناطق شهری نیز سیاست‌های رشدمحور توأم با بازتوزیع توصیه می‌شوند. همچنین در تمام دوره‌ها، تورم هم در مناطق شهری و هم روستایی از عوامل افزایش‌دهنده فقر بوده؛ لذا کنترل آن می‌تواند در بهبود فقر مؤثر واقع شود.

اشرفی و همکاران (۱۳۹۷) به سه وجهی رشد، نابرابری و فقر در ایران طی برنامه‌های توسعه پرداخته‌اند. در این پژوهش رابطه متقابل رشد اقتصادی، نابرابری و فقر طی سال‌های برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه ایران مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد با وجود اجرای پنج برنامه توسعه، سیاست‌های کاهش فقر به کار گرفته نشده است و استفاده از درآمدهای نفتی برای حل مسئله فقر به صورت پروژه درمانی بدون توجه به مسئله رشد و توسعه باعث شده که فقر از یک طرف به تعویق افتاده و از طرف دیگر بازگشت فقر در دوران بعدی با وسعتی بیشتر صورت می‌گیرد.

ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی راهبرد تعدیل فقر در محلات شهری با رویکرد اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران) پرداختند. نتایج نشان داد که ارزیابی میزان شاخص‌های اقتصاد محلی در محله مورد مطالعه نشان می‌دهد که همکاری جمعی برای کسب منفعت از دستگاه های دولتی و شهرداری، بیشترین اهمیت را در بین شهروندان داشته است. در سوی دیگر ایجاد نهادها و مؤسسات غیردولتی، ترس از کمبود منابع مالی و طولانی شدن

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

پروژه‌های نوسازی کمترین اهمیت در میان شاخص‌های اقتصاد محلی را از نظر مردم محله نعمت‌آباد دارا است.

بزازان و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی کارایی سیاست‌های دولت در کاهش فقر در ایران در طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۹۲ پرداختند. نتایج کاربرد روش SFA میزان کارایی دولت در کاهش فقر را ۶۹ درصد نشان می‌دهد. مطالبات معوق بانکی، تورم و بیکاری به عنوان عامل مؤثر بر ناکارایی فنی، تأثیر مثبت و معناداری بر سطح ناکارایی فنی دارند.

بزاززاده و همکاران (۱۳۹۳) به شناسایی مؤلفه های کلیدی توسعه منطقه‌ای و ترسیم آینده مطلوب آذربایجان غربی با رویکرد آینده‌نگاری منطقه‌ای پرداختند. در این پژوهش با بهره گیری از مطالعات موجود در زمینه توسعه منطقه ای، معیارهای توسعه در شش گروه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی، علم و فناوری و سازمان فضایی طبقه‌بندی شده و بر اساس اسناد فرادست توسعه‌ای؛ ۱۸ مؤلفه برای توسعه منطقه‌ای در آذربایجان غربی بازشناسی شده است. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که سه مؤلفه «کشاورزی»، «شیوه مدیریت» و «زیرساخت های ارتباطی» به عنوان مؤلفه های کلیدی توسعه منطقه‌ای در آذربایجان غربی؛ تشکیل هشت سناریوی توسعه را داده و درنهایت سناریوی منطبق بر کشاورزی صنعتی، شیوه مدیریت خصوصی و زیرساخت هایی با الگوی شبکه‌ای؛ با کسب امتیاز بالاتر، ملاک تدوین چشم‌انداز توسعه منطقه قرارگرفته بود.

ارشدی و کریمی (۱۳۹۲) به بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال‌های برنامه اول تا چهارم توسعه پرداختند. یافته‌های نشان می‌دهد که سیاست‌های فقرزدایی پس از جنگ در کاهش فقر مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی، موفقیت بیشتری داشته‌اند.

بر اساس جستجوی پژوهشگران از منابع اطلاعاتی مختلف داخلی، تاکنون پژوهشی با این عنوان که از نظر موضوع و محتوا کاملاً مشابه باشند؛ در داخل کشور صورت نگرفته است. البته پژوهش‌هایی با عناوین مشابه در زمینه آینده‌نگاری منطقه‌ای صورت گرفته که اگرچه به لحاظ محتوایی پوشش خوبی به چارچوب آینده‌نگاری منطقه‌ای داده‌اند، اما به لحاظ روش و شیوه‌های عملیاتی دارای نقیصه‌هایی هستند. از طرف دیگر پژوهش‌های متعددی در زمینه توسعه منطقه‌ای

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

صورت گرفته که بخش عمده آن‌ها به سنجش میزان توسعه‌یافتگی پرداخته و نگاهی گذشته‌گرا و نه آینده‌نگر داشته‌اند. در مواردی که پژوهش‌ها رویکردی به آینده داشته‌اند نیز از روش‌های قدیمی‌تر مانند برنامه‌ریزی راهبردی استفاده شده است.

٤. روش تحقیق

٤-١. روش دلفی

دلفی رویکرد یا روشی نظام‌مند در تحقیق برای دریافت نظرات و درخواست قضاوت‌های حرفه‌ای از گروه‌های متخصص در مورد موضوع یا سؤالی است. این روش با مشارکت افرادی انجام می‌شود که در موضوع پژوهش دانش و تخصص داشته باشند. این افراد به عنوان پانل دلفی شناخته می‌شوند و انتخاب اعضای واجد شرایط برای پانل از مهم‌ترین مراحل روش دلفی به حساب می‌آید؛ زیرا اعتبار نتایج به شایستگی این افراد بستگی دارد (اسفنجانی و فروزنده دهکردی، ۱۳۹۴).

از آنجا که روش دلفی سازوکاری برای تصمیم‌گیری گروهی است و نیاز به متخصصان واجد شرایطی دارد که درک و دانش عمیقی از موضوع پژوهش داشته باشند، معمولاً انتخاب اعضای پانل از طریق نمونه‌گیری غیراحتمالی هدف‌دار یا قضاوتی انجام می‌گیرد (درویش و همکاران، ۱۳۹۳).

روش دلفی در عمل، یک سری پرسشنامه‌ها یا دوره‌های متوالی همراه بازخوردهای کنترل‌شده‌ای است که تلاش دارد به اتفاق‌نظر میان یک گروه از افراد متخصص درباره یک موضوع خاص دست پیدا کند. هرچند روش دلفی در ابتدا برای پیش‌بینی به کار برده شود؛ اما در گردآوری داده های مربوط به زمان حال یا گذشته که به‌درستی معلوم یا موجود نیستند و یافتن روابط عینی در پدیده‌های پیچیده اجتماعی و اقتصادی نیز استفاده می‌شود. در مراحل گوناگون فرآیند یک پژوهش نیز این روش می‌تواند به کار رود. از جمله این مراحل می‌توان به یافتن

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

دیدگاهی نظری برای پژوهش، انتخاب متغیرها، شناخت اولیه روابط علی میان متغیرها و تعریف سازه‌ها اشاره کرد. معمولاً روش دلفی شامل مراحل زیر است:

٤-١-١. مرحله اول: تشکیل و ترکیب پانل (جامعه و نمونه آماری)

روش دلفی با مشارکت افرادی انجام می‌پذیرد که موضوع پژوهش دارای دانش و تخصص باشند. این افراد با عنوان پانل دلفی شناخته می‌شوند. گزینش اعضای واجد شرایط برای پانل دلفی از مهم‌ترین مراحل این روش به حساب می‌آید؛ زیرا اعتبار نتایج کار بستگی به شایستگی و دانش این افراد دارد (پاول[1]، ۲۰۰۳). این افراد بر خلاف آنچه در پیمایش های کمی معمول است، بر مبنای نمونه‌گیری احتمالی انتخاب نمی‌شوند؛ زیرا روش سازوکاری برای تصمیم‌گیری گروهی است و نیاز به متخصصان واجد شرایط دارد که درک و دانش عمیقی از موضوع پژوهش داشته باشند. روشن است که این افراد را نمی‌توان از این طریق انتخاب کرد. بر این اساس، اعضای پانل دلفی برای این پژوهش به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی و ترکیبی از روش‌های هدف‌دار یا قضاوتی و زنجیره‌ای برگزیده شدند. بر این اساس، ابتدا ده نفر از افراد نامزد شدند که پژوهشگر برای مشارکت در این پژوهش مناسب می‌دانست. این افراد عضو هیئت علمی دانشگاه در رشته مدیریت، اقتصاد و در برخی موارد سایر گرایش های مرتبط بودند. سپس از طریق این افراد سایر اعضای پانل معرفی شدند (مشایخی، ۱۳۸۴). در این تحقیق اعضای پانل شامل ۳۷ نفر از مدیران دستگاه‌های اجرایی مرتبط با موضوع در شهر زاهدان، اساتید خبره دانشگاهی در حوزه اقتصاد و مدیریت سیستان بلوچستان انتخاب شدند. اطلاعات جمعیت شناختی اعضای پانل در جدول شماره (۲) خلاصه شده است.

1. Powell

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

جدول ۲. خلاصه اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان پانل دلفی

اساتید خبره دانشگاهی				خبرگان غیردانشگاهی				سوابق خدمت و پست سازمانی خبرگان			
مدرک تحصیلی	درجه دانشگاهی	تعداد	درصد	مدرک تحصیلی	تعداد	درصد	سابقه خدمت	تعداد	درصد	پست سازمانی	تعداد	درصد
دکترا و- کارشناسی ارشد	استاد تمام	۱	۳/۷۱	دکترا	۷	۱۸/۹۲	۳۰- ۲۱	۱۸	۴۸/۶۵	مدیریت ارشد	۱۵	۴۰/۵۴
	دانشیار	۶	۱۶/۲۲	کارشناسی ارشد	۱۱	۲۹/۷۳	۲۰- ۱۱	۷	۱۸/۹۲	مدیریت میانی	۱۳	۳۵/۱۳
	استادیار و مربی	۳	۱۱/۱۱	کارشناسی	۹	۲۰/۳۱	۱۰-۵	۱۲	۳۲/۴۳	سرپرست	۹	۲۴/۳۳
جمع		۱۰	۳۱/۰۴	جمع	۲۷	۶۸/۹۶	جمع	۳۷	۱۰۰	جمع	۳۷	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نمونه‌گیری به شکل غیراحتمالی و قصدی (به تعبیر سرمد و دیگران، ۱۳۸۴) انجام شده که با هدف مطالعه سازگاری دارد، ارائه و دریافت پرسش‌نامه و توجیه خبرگان در خصوص سؤالات و اهداف مطالعه عمدتاً به صورت حضوری و بعضاً به شکل ارسال ایمیل و برقراری تماس تلفنی بوده، درمجموع ۳۷ نفر انتخاب شدند که در دوره‌های متوالی پرسش‌نامه قابل استفاده، دریافت و نتایج آن تحلیل شد.

٤-۱-۲. مرحله دوم: تولید ایده در زمینه مسئله پژوهش

مرحله دوم تولید ایده در زمینه مسئله پژوهش اختصاص دارد. در این مرحله، اعضای کارگروه ایده‌های خود را درباره عوامل مرتبط با مسئله پژوهش ارائه می‌کنند. پژوهشگر با تحلیل و پالایش این ایده‌ها، حذف موارد تکراری و کاربرد واژگان یکسان، لیست نهایی عوامل مرتبط با مسئله پژوهش را استخراج می‌کند. در این مرحله ممکن است نظر اعضا درباره عواملی خواسته شود که از پیش تعیین شده‌اند. درنهایت با نظر خبرگان سیاست‌های مؤثر در مبارزه با کاهش فقر شناسایی شدند که در جدول (۳) شرح داده شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

جدول ۳. سیاست‌های مؤثر در مبارزه با کاهش فقر

سیاست	راهکارهای مؤثر
سیاست‌های سند چشم‌انداز	ریشه‌کنی فقر، دستیابی همگان به آموزش ابتدایی، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، بهبود مادران در چارچوب بهداشت باروری، دستیابی به محیط زیست پایدار، رشد اقتصادی، حمایت از کودکان کار، مبارزه با کودک‌آزاری
سیاست‌های کارآفرینی	توانمندسازی زنان، برابری جنسیتی، اشتغال نیروی کار، طرح‌های اشتغال عمومی، حمایت از طرح‌ها و ایده‌های کارآفرینی
سیاست‌های بانک مرکزی	مطالبات معوق بانکی، تأمین مالی خرد، کاهش سود بانکی
سیاست‌های اقتصاد مقاومتی	رونق تولید، رشد اقتصاد دانش‌بنیان، رشد تکنولوژی، ارتقای سرمایه انسانی، توسعه اقتصاد ملی، الگوی صحیح مدیریت و مصرف، مردمی کردن اقتصاد، حمایت از تولید ملی، حمایت از اقتصاد کارآفرینی، حمایت از تعاونی‌ها
سیاست‌ها و برنامه ششم توسعه	پرداخت یارانه‌های نقدی و غیرنقدی، بیمه اجتماعی، انتقالات اجتماعی، خدمت‌رسانی به روستاها، توزیع یکسان منابع در مناطق، اصلاحات ارضی، مبارزه با قاچاق کالا، مبارزه با قاچاق ارز، توانمندسازی روستاها و شهرها در حیطه گردشگری، جلوگیری از احتکار

مأخذ: یافته‌های پژوهش

٤-١-٣. مرحله سوم: تعیین اهمیت عوامل

در تمام مراحل، تعیین میزان اهمیت عوامل در قالب طیف لیکرت و شامل گزینه‌های «تأثیر بسیار کم»، «تأثیر کم»، «تأثیر متوسط»، «تأثیر زیاد» و «تأثیر بسیار زیاد» صورت می‌گیرد. در هر دور نیز در مقابل هرعامل، میانگین پاسخ‌های اعضای پانل در دوره‌های پیش و پاسخ پیشین هرفرد نیز به صورت جداگانه به آگاهی پاسخگویان می‌رسد.

٤-١-٤. مرحله چهارم: مقیاس اتفاق‌نظر (آزمون کندال)

در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق‌نظر میان اعضای پانل، از ضریب هماهنگی کندال استفاده شد. برای تعیین توافق و پایان مراحل تکنیک دلفی می‌توان از ضریب توافق کندال بهره گرفت. برای تعیین میزان وحدت‌نظر از ضریب هماهنگی کندال استفاده می‌شود. ضریب هماهنگی کندال مقیاسی برای تعیین درجه هماهنگی و موافقت بین چندین دسته رتبه مربوط به n پدیده است. این

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

مقیاس همبستگی رتبه‌ای میان m مجموعه رتبه را نشان می‌دهد. این مقیاس برای تعیین روائی دیدگاه خبرگان قابل استفاده است. ضریب هماهنگی کندال نشان می‌دهد افرادی که چند مقوله را بر اساس اهمیت آن‌ها مرتب کرده‌اند، به طور اساسی معیارهای مشابهی را برای قضاوت درباره اهمیت هریک از مقوله‌ها به کار برده‌اند و از این حیث با یکدیگر اتفاق نظر دارند.

مقدار این مقیاس هنگام هماهنگی یا موافقت کامل برابر با یک و در زمان نبود کامل هماهنگی برابر با صفر است. «اشمیت» برای تصمیم‌گیری درباره توافق یا ادامه دوره‌های دلفی دو معیار آماری ارائه می‌کند. اولین معیار، اتفاق‌نظر قوی میان اعضای پانل است که بر اساس مقدار ضریب هماهنگی کندال تعیین می‌شود. در صورت نبود چنین اتفاق‌نظری، ثابت ماندن این ضریب یا رشد ناچیز آن در دو دور متوالی نشان می‌دهد که افزایشی در توافق اعضا صورت نگرفته است و فرآیند نظرخواهی باید متوقف شود. شایان ذکر است که معناداری آماری ضریب W برای متوقف کردن فرآیند دلفی کفایت نمی‌کند. برای پانل‌های با تعداد بیشتر از ۱۰ عضو مقدار بسیار کوچک W نیز معنادار به حساب می‌آید (مشایخی، ۱۳۸۴)؛ بنابراین از معیار دیگر مانند سطح معناداری استفاده می‌شود که مشخص‌کننده توافق یا عدم توافق خبرگان در مورد هریک از گویه‌های مربوط به فرضیه‌های تحقیق است، بر این اساس فرضیه‌های پانل دلفی برای تک‌تک گویه‌ها به صورت کلی زیر صورت‌بندی می‌شود:

H_0: در بین خبرگان برای گویه مورد نظر توافق وجود ندارد.

H_1: دربین خبرگان برای گویه مورد نظر توافق وجود دارد.

$$W = \frac{۱۲S}{m^۲\left(n^۲ - n\right)} \qquad (۱)$$

که در آن،

$$S = \sum_{i=۱}^{n}\left(R_i - \bar{R}\right)^۲ \qquad (۲)$$

Ri= مجموع رتبه‌های مربوط به یک عامل؛

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

m= تعداد مجموعه رتبه‌ها یا تعداد خبرگان؛

n= تعداد عوامل رتبه‌بندی شده.

مقدار این مقیاس هنگام هماهنگی یا موافقت کامل برابر با یک و در زمان نبود کامل هماهنگی برابر با صفر است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تکنیک دلفی سازوکار مناسب و قابل قبولی برای دستیابی به اجماع در زمان توسعه مجموعه‌ای از شاخص‌ها به شمار می‌آید.

۵. تجزیه‌وتحلیل و تفسیر داده‌ها و اطلاعات

۵-۱. دور اول دلفی

در این دور، اعضای پانل، ۵ سیاست کلی و ۳۷ راهکار مقابله که از سیاست‌ها و برنامه‌های موفق و مؤثر استخراج شده بودند را دارای تأثیر زیاد و خیلی زیاد در اقدامات مؤثر در مقابله با کاهش فقر تشخیص دادند. علاوه بر این پاسخگویان درمجموع ۵ سیاست کلی و ۴ دسته روش مقابله را مطرح کردند که با ترکیب برخی از آن‌ها، تعداد ۳ دسته کلی اقدامات باقی ماندند. از این میان، هر ۳ نوع دسته اقدامات روش مقابله به نوعی با عوامل ارائه شده در پژوهش‌های پیشین یکسان بودند. نتایج شاخص های اجماع مقادیر عددی آزمون فرض (سطح معناداری) و میزان ضریب هماهنگی کندال (W) در دور اول است. با توجه به مقادیر آزمون فرض اکثراً مقادیر نسبتاً قابل قبولی از توافق را نشان می‌دهد؛ اما نکته مهم در خصوص ضریب هماهنگی کندال که در این دور مقادیر نسبتاً پایینی را نشان می‌دهد آن است که این ضریب اساساً در حالت مقایسه معنای واقعی خود را پیدا می‌کند، این نکته در نتایج حاصل از دورهای دوم و سوم دلفی که میزان توافق بالاتر می‌رود بهتر قابل مشاهده و تفسیر خواهد بود. ضریب هماهنگی کندال برای پاسخ های اعضا درباره ترتیب روش‌های حمله و روش‌های مقابله که در این دور دارای تأثیر زیاد و خیلی زیاد بودند، ۰/۲۶۷ به دست آمد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

۵-۲. دور دوم دلفی

پس از اجرای مرحله اول سنجش و ارزیابی دیدگاه صاحب نظران پانل در مورد عوامل مطرح شده و مستخرج از مبانی نظری و همچنین دریافت پیشنهادهای اعضای پانل در مورد سایر اقدامات مؤثر در مقابله با کاهش فقر در این دور، به منظور رعایت احتیاط، مجدداً تمامی عوامل مستخرج از مبانی نظری و همچنین عوامل پیشنهادی اعضای پانل در مورد سایر اقدامات مؤثر در مقابله با کاهش فقر به همراه میانگین نظر اعضا در دور اول و نظر پیشین همان عضو در اختیار کلیه صاحب نظران پانل قرار گرفت. اعضای پانل، ۳ اقدام مؤثر را از میان ۱۲ عامل که در دور دوم ارائه شده بودند، دارای تأثیر خیلی زیاد (دارای میانگین بزرگ تر از ۳) در مقابله با کاهش فقر تشخیص دادند. ضریب هماهنگی کندال برای پاسخ های اعضا درباره ترتیب اقدامات که در این دور تأثیر زیاد و خیلی زیاد بودند، ۰/۴۳۹ به دست آمد.

۵-۳. دور سوم دلفی

در دور سوم به این دلیل که بر اساس میانگین نظر صاحب‌نظران، عاملی با اهمیت متوسط و پایین تر (دارای میانگین تأثیر کوچک تر مساوی ۳) وجود نداشت، هیچ عاملی حذف نشد و فهرست اقدامات ۱۲ گانه که در دور دوم از سوی صاحب نظران پانل دارای تأثیر زیاد و خیلی زیاد (دارای میانگین بزرگ تر از ۳) در اقدامات مؤثر در مقابله با کاهش فقر تشخیص داده شده بودند به همراه میانگین نظر اعضا در دور دوم و نظر پیشین همان عضو در اختیار کلیه صاحب نظران پانل قرار گرفت. اعضا در این دور نظر خود را درباره میزان تأثیر هریک از اقدامات ۱۲ گانه در مقابله با کاهش فقر اعلام می کردند. آن ها علاوه بر این باید ترتیب اهمیت عوامل را از نظر خود مشخص می کردند. ضریب هماهنگی کندال برای پاسخ های اعضا درباره ترتیب اقدامات ۱۲ گانه که در این دور تأثیر زیاد و خیلی زیاد بودند، ۰/۵۸۴ به دست آمد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

۵-٤. دلایل توافق نظرخواهی

نتایج دورهای سه گانه اجرای روش دلفی در پژوهش نشان می‌دهد که به دلایل زیر اتفاق‌نظر میان اعضای پانل حاصل شده است و می‌توان به تکرار دورها پایان داد:

۱. در دور دوم بیش از ۵۰ درصد اعضا، ۱۲ اقدام تأثیرگذار در مقابله با کاهش فقر که دارای میانگین بزرگ‌تر از ۳ بودند را به عنوان عامل اول خود برگزیدند؛

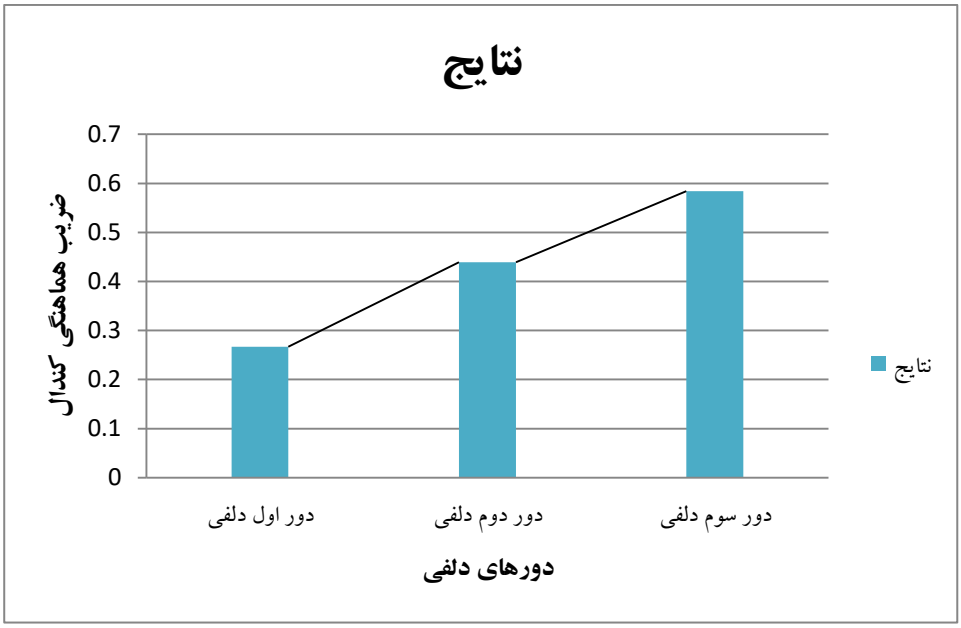
۲. انحراف معیار پاسخ‌های اعضا درباره میزان اهمیت عوامل در دور سوم نسبت به دورهای قبلی کاهش چشمگیری داشته است؛

۳. ضریب هماهنگی کندال برای پاسخ‌های اعضا درباره ترتیب عوامل در دور سوم ۰/۵۸۴ است. با توجه به اینکه تعداد اعضای پانل بیش از ده نفر بود، این میزان از ضریب کندال کاملاً معنادار به حساب می‌آید (مشایخی، ۱۳۸۴)؛

۴. ضریب هماهنگی کندال برای اقدامات ۱۲ گانه اثرگذار در مقابله با کاهش فقر در دور سوم نسبت به دور دوم ۰/۱۴۵ افزایش یافت که این ضریب با میزان اتفاق‌نظر میان اعضای پانل در میان دو دور متوالی، رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد (اشمیت، ۱۹۹۷).

نتایج دورهای دلفی به صورت نمودار (۱) است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]



نمودار ۱. نتایج دورهای دلفی

بر اساس منطق نظری و رویه معمول دلفی چون مقادیر کمی آماری و میزان شاخص های خاص اجماع در دورهای سه گانه دلفی افزایش یافته نیازی به ادامه فرآیند دلفی در دور چهارم نیست و با توجه به توافق حاصل شده عملاً پانل‌های دلفی خاتمه یافته تلقی می‌شود. با توجه به توافق حاصل شده تأثیرگذاری اقدامات در مقابل با کاهش فقر به صورت جدول (۴) است.

جدول ۴. توافق حاصل شده تأثیرگذاری اقدامات در مقابل با کاهش فقر

سیاست	اقدامات مؤثر
سیاست‌های اقتصاد مقاومتی	حمایت از تعاونی‌ها، حمایت از اقتصاد کارآفرینی، حمایت از تولید ملی، الگوی صحیح مدیریت و مصرف
سیاست‌های کارآفرینی	حمایت از طرح‌ها و ایده‌های کارآفرینی
برنامه ششم توسعه	بیمه اجتماعی، انتقالات اجتماعی، توانمندسازی روستاها و شهرها در حیطه گردشگری، مبارزه با قاچاق ارز، مبارزه با قاچاق کالا
سیاست‌های بانک مرکزی	تأمین مالی خرد

مأخذ: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی سیاست‌های کاهش فقر بر اساس اسناد فرادستی با رویکرد آینده‌نگاری منطقه‌ای در استان سیستان و بلوچستان بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد نظر به اهمیت قابل توجه موضوع فقر، دولت نیز در ماده ۹۵ برنامه ششم توسعه مکلف شده است به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، برنامه های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را تهیه و اجرا کند. به این منظور، تعیین خط فقر و تبیین برنامه های توانمندسازی متناسب و ساماندهی نظام خدمات حمایت‌های اجتماعی برای پوشش کامل جمعیت زیر خط فقر مطلق و نظام تأمین اجتماعی برای پوشش جمعیت بین خط فقر مطلق و نسبی و ... از جمله سیاست¬هایی است که دولت موظف به اجرای آن در طی سال‌های برنامه است. راهکارهای کاهش فقر را می‌توان به سه دسته کلی سیاست‌های مستقیم کاهش فقر، خدمات اجتماعی عمومی و عوامل نهادی تقسیم‌بندی کرد؛ لذا این سه دسته باید در راستای هم گام بردارند. بر اساس نتایج مذکور، پیش‌بینی می‌شود که برای تعدیل فقر در مناطق روستایی، رشد اقتصادی به شیوه کنونی چندان مؤثر نخواهد بود و باید سیاست‌های رشد فقرزدا دنبال شوند؛ همچنین با اجرای سیاست‌های حمایتی و تشویقی درست از روستانشینی، مهاجرت‌های روستا به شهر کنترل شوند. در مورد مناطق شهری نیز با سیاست‌های رشد اقتصادی که به طور برابرتری توزیع می‌شود، می‌توان فقر را تعدیل کرد. تورم چه در مناطق شهری و چه روستایی در تمام دوره، از عوامل افزایش‌دهنده فقر بوده، لذا کنترل آن می‌تواند در بهبود فقر در کلیه مناطق کشور مؤثر واقع شود. مسیر برخورد با فقر شهری در ایران با ابزار نه چندان پایدار و کارآمد توزیع ناچیزی از پول نفت است که عموماً از طریق نهادها و دستگاه‌های دولتی صورت گرفته ولیکن به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و مکانیزمی که می‌تواند در برخورد با فقر داشته باشند، در عمل توجهی نشده است (همان‌طور که در این پژوهش نشان داده شد که سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بیشترین تأثیر را در مبارزه با کاهش فقر را دارند). از طرفی کارایی سیاست دولت در کاهش فقر، در سال‌هایی که یارانه نقدی پرداخت شده به‌شدت کاهش پیدا کرده است. یارانه‌ها به عنوان یک سیاست حمایت

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

از اقشار آسیب‌پذیر باید به‌گونه‌ای باشد که بتوان گروه‌های هدف و محروم را شناسایی کرد. همچنین سیاست‌های کاهش فقر در ایران با چالش‌های عمده‌ای مواجه‌اند.

در این راستا یکی از مهم‌ترین اهداف دولت‌ها، کاهش و برطرف کردن معضل فقر در سطح جامعه است که این امر راه‌کارهای متفاوتی دارد. با توجه به نتایج دورهای دلفی، بیشترین اقدامات مؤثر در کاهش فقر مربوط به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و برنامه ششم توسعه است. اقتصاد مقاومتی به عنوان مفهوم مواجهه با اختلالات، غافلگیری‌ها و تغییرات معرفی می‌شود. از ویژگی‌های این الگو، مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدات، تأکید بر نیروها و بخش‌های پیشران، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا و برون‌گرا- جهانی فکر کردن و محلی عمل کردن است.

نتایج به دست آمده دلالت بر این دارد که:

- با توجه به نتایج مدل، یک رابطه منفی بین سهم مخارج تأمین اجتماعی و فقر وجود دارد، از این رو، افزایش مخارج تأمین اجتماعی با اولویت به مخارج آموزش، بهداشت و بیمه می‌تواند فقر را کاهش دهد. نتایج نشان‌دهنده نابرابری سهم مخارج تأمین اجتماعی و نابرابری است که دال بر تخصیص نامناسب این مخارج بین افراد با درآمد پایین است؛ بنابراین، اصلاح نظام پرداخت یارانه از طریق هدفمند کردن یارانه‌ها می‌تواند به توزیع بهتر درآمد بیانجامد.
- پایین بودن بهره‌وری در فعالیت‌های مولد و عدم حمایت از تعاونی‌ها، حمایت از اقتصاد کارآفرینی، حمایت از تولید ملی موجب فرار سرمایه و گریز منابع می‌شود و از تقاضا برای نیروی کار می‌کاهد. این کاستی همچنین موجب فقر صاحبان خدمات و فعالیت‌های تولیدی شخصی و خویش‌فرمایان کم‌بضاعت (مانند زارعان) می‌شود. پایین بودن بهره‌وری به دلیل ساختار نامناسب توزیع درآمد و کم توسعگی، هم عامل فرار سرمایه به فعالیت‌های نامولد و هم نتیجه آن است. در این راستا اعمال سیاست‌های مؤثر در جهت افزایش رشد اقتصادی فقرزدا از طریق بالا بردن کارایی نهادهای مالی و کاهش هزینه‌های

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

بالای واسطه‌گری مالی در استان، جهت هدایت وام‌های اعطایی به شرکت‌ها و مؤسسات کوچک و پایین آوردن ریسک‌های بسیار بالای سرمایه‌گذاری می‌تواند تأثیرگذار باشد.

- با توجه به نتایج از آنجا که بخش سازمان‌یافته و رسمی بازار مالی نمی‌تواند همه نیازهای مالی را برآورده سازد، لذا زمینه برای فعالیت بخش سازمان نیافته و یا غیررسمی فراهم شده است. در این باره می‌توان گفت در بازار مالی خلأ وجود دارد. در این راستا می‌توان با جذب پس‌انداز روستاییان به سبب دور بودن تولیدکنندگان از شعبه‌های محدود و دسترسی آن‌ها به پس‌انداز در هنگام نیاز اقدام کرد. همچنین پرداخت وام‌های زنجیره‌ای به‌گونه‌ای که وام‌گیرندگان با ضمانت یکدیگر مسئولیت مشترکی در بازپرداخت وام بر عهده گرفته‌اند، کاهش می‌یابد. به‌علاوه می‌توان با مردمی ساختن تشکل‌های تعاونی روستایی و شهری به‌گونه‌ای که آن‌ها از حالت شبه‌دولتی کنونی خارج و به طور مستقل اداره شوند.
- روند بیکاری رو به تزاید که با افزایش نسبت شهرنشینی و نابرابری درآمدی و توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد همراه شود، موجب افزایش فقر و محرومیت شده و بخش اعظم بیکاران را در میان فقرا جای داده است؛ بنابراین، کاهش شکاف بین شهر و روستا از یک سو، مانع مهاجرت بی‌رویه به شهرها و درنتیجه، بهبود توزیع درآمد می‌شود و از سوی دیگر در فقرزدایی مؤثر است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

منابع

ابراهیم‌زاده، عیسی؛ اسکندری ثانی، عیسی و صغری رمضان‌پور (۱۳۹۵). «راهبرد تعدیل فقر در محلات شهری با رویکرد اقتصاد مقاومتی، مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران. *جغرافیا و توسعه*. دوره ۴۴. صص ۲۴-۱.

ارشدی، علی و عبدالعلی کریمی (۱۳۹۲). «بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال‌های برنامه اول تا چهارم توسعه». *فصلنامه سیاست‌های راهبردی کلان*. دوره ۱. صص ۴۲-۲۳.

اکبری، محمود (۱۳۹۳). «تحلیل فضایی نابرابری سلامت در شهر شیراز». *فصلنامه رفاه اجتماعی*. دوره ۱۴. شماره ۵۳. صص ۵۴-۳۷.

اشرفی، سکینه؛ بهبودی، داود؛ واعظ مهدوی، محمدرضا و حسین پناهی (۱۳۹۷). «سه وجهی رشد، نابرابری و فقر در ایران طی برنامه‌های توسعه». *رفاه اجتماعی*. دوره ۱۸. شماره ۷۱. صص ۹-۴۶.

بزاززاده، مهدی؛ داداش‌پور، هاشم و مطوف شریف (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه منطقه‌ای با رویکرد آینده‌نگاری منطقه‌ای؛ مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی». *برنامه‌ریزی فضایی*. دوره ۴. شماره ۲. صص ۱۰۴-۷۹.

بنافی، مسعود و محمد نوروزی (۱۳۹۲). «تحلیلی آسیب‌شناسانه از ترجمان اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌های عملیاتی: ملاحظاتی سیاستی». *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*. دوره ۱۸. شماره ۴. صص ۱۹۵-۱۶۱.

بزازان، فاطمه؛ قاسمی، عبدالرسول و حسین راغفر (۱۳۹۴). «بررسی کارایی سیاست‌های دولت در کاهش فقر در ایران». *فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهرا (س)*. دوره ۳. شماره ۸. صص ۳۲-۹.

خاکی، نرگس (۱۳۸۸). «کاهش فقر و تأمین مالی خرد (مطالعه موردی: بانک کشاورزی)». *مجله مطالعات علمی*. صص۳ ۱۳۶-۱۱۱.

خلج، سکینه و علی یوسفی (۱۳۹۳). «پهنه‌بندی توزیع و شدت فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران». *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*. دوره ۱۸. شماره ۴. صص ۴۹-۷۰.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

درویشی، باقر؛ امیدی، مهدی و بهاره جانی (۱۳۹۷). «تجزیه پویای فقر در طی چهار برنامه توسعه ایران: بر اساس روش جدید تجزیه شش‌جزئی». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*. دوره ۱۸. شماره ۱. صص ۲۰۱-۱۷۹.

سپهردوست، حمید و صابر زمانی (۱۳۹۴). «بهبود پارتویی توزیع درآمد و سیاست‌گذاری مالیاتی». *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*. دوره ۳. شماره ۱۰. صص ۱۲۷-۱۰۷.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و الهه حجازی (۱۳۸۸). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: نشر آگاه. ص ۴۱۰.

شریف آزاده، محمدرضا و الناز انتظار (۱۳۹۰). «محاسبه شاخص شدت فقر SST در ایران ۱۳۸۶-۱۳۶۳». *فصلنامه علمی و پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه*. دوره۱۶. شماره ۲. صص ۱۲۹-۱۰۷.

عباسی اسفنجانی، حسین و لطف‌الله فروزنده دهکردی (۱۳۹۴). «طراحی مدل جامع تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی با رویکرد دلفی». *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*. دوره ۱۹. شماره ۷۵. صص ۱۷۰-۱۳۹.

غفاری مجتبی (۱۳۹۳). «راهکارهای کاهش فقر: رهیافتی در اقتصاد نهادگرایی». *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*. دوره ۱۹. شماره ۴. صص ۲۱۵-۲۴۲.

فطرس، محمدحسن و سوده قدسی (۱۳۹۳). «روش آلکایر و فوستر برای اندازه‌گیری فقر چندبعدی». *مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)*. دوره ۱۴. شماره ۱۱ و ۱۲. صص ۷۷-۹۲.

مصطفوی، نجمه سادات و غلامرضا حقیقت نائینی (۱۳۹۷). «جهانی‌شدن، نابرابری درآمدی و فقر، نمونه موردی: کلان‌شهر اراک». *مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری*. دوره ۱.شماره ۳. صص ۱۵-۱.

ملک‌شاهی، غلامرضا و صاحبه وکیلی (۱۳۹۶). «بررسی توزیع خدمات عمومی بر اساس عدالت اجتماعی (مورد شناسی شهر سقز)». *جغرافیا و آمایش شهری و منطقه‌ای*. دوره ۷. شماره ۲۵. صص ۱۷۰-۱۴۷.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

مشایخی، علینقی؛ فرهنگی، علی‌اکبر؛ مؤمنی، منصور و سیروس علیدوستی (۱۳۸۴). «بررسی عوامل کلیدی مؤثر بر کاربرد فناوری اطلاعات در سازمان های دولتی ایران: کاربرد روش دلفی. *فصلنامه مدرس علوم انسانی* (ویژه‌نامه مدیریت). دوره ۹. شماره ۲۰. صص ۲۹۲-۱۹۱.

نهج‌البلاغه حضرت علی (ع) (۱۳۸۱). ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات مؤمنین.

Asian Development Bank (2010). "Governance and Institutional Quality and the Links with Economic Growth and Income Inequality: With Special Reference to Developing Asia", Economics Working Paper Series, No. 193.

Berardi, N., & Marzo, F. (2017). "The Elasticity of Poverty with Respect to Sectoral Growth in Africa". *Review of Income and Wealth*, Vol. 63(1), PP. 147-168.

Brauer, M., Freedman, G., Frostad, J., van Donkelaar, A., Martin, R.V., Dentener, F., van Dingenen, R. (2016). "Ambient Air Pollution Exposure Estimation for the Global Burden of Disease 2013". *Environmental Science and Technology*, Vol. 50(1), PP. 79–88.

Burnett, R.T., Pope III, C.A., Ezzati, M., Olives, C., Lim, S.S., Mehta, S., Shin, H.H. (2014). "An Integrated Risk Function for Estimating the Global Burden of Disease Attributable to Ambient Fine Particulate Matter Exposure". *Environmental Health Perspectives* (February). doi:10.1289/ehp.1307049.

Habibov, N.N., & Fan, L. (2010). "Comparing and contrasting poverty reduction performance of social welfare programs across jurisdictions in Canada using Data Envelopment Analysis(DEA): An exploratory study of the era of devolution". *Evaluation and Program Planning*, Vol. 33(4), PP. 457-467.

Ivanic, M., & Martin, W. (2014). "Short and long-run impacts of food price changes on poverty", Policy Research Working Paper 7011. World Bank.

Ivanic, M., & Martin, W. (2018). "Sectoral Productivity Growth and Poverty Reduction: National and Global Impacts". World Development (In Press). http://-dx.doi.org/10.1016/j.worlddev.2017.07.004.

Grindle,M.S. (2002). "Good Enough Governance: Poverty Reduction and Reform in Developing Countries", Kennedy School of Government Harvard University.

Gouveia, M., Raposo, P. & Niza, C. (2014). "The Efficiency of Social Protection Policies to Reduce Poverty in the European Union and the Role of Structural Funds". Preliminary Analysis Do Not Cite Without Permission. Palma de Cima 1649-023 Lisboan.

Magombeyi. M. T., Odhiambo. N. M. (2018). "DYNAMIC IMPACT OF FDI INFLOWS ON POVERTY REDUCTION: EMPIRICAL EVIDENCE FROM SOUTH AFRICA". Sustainable Cities and Society, https://doi.org/10.1016/j.scs.-2018.03.020.

Powell, C. (2003). "The Delphi Technique: Myths and Realities", *Methodological Issues in Nursing Research*, Vol. 41 (4).

Rewilak. J.(2017). "The role of financial development in poverty reduction", *Review of Development Finance* (In Press).

Schmidt R. C. (1997). "Managinig Delphi surveys using nonparametric statistical techniques", *Decision Sciences*, Vol. 28 (3).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

Tokatlioglu, I., & Aykac, G. (2007). "How efficient are the Poverty Reduction-Oriented Policies in Eastern European Transition Economies". In International Conference on Experiences and Challenges in Measuring National Income and Wealth in Transition Economies (pp. 18-21).

Tanzi, V. (2002). "Globalization and the future of social protect-tion". *Scottish Journal of Political Economy*, Vol. 49(1), PP. 116-127.

United Nations. (2015). *The Millennium Development Goals Report 2015*. New York: United Nations.

Van Donkelaar, A., Martin, R.V., Brauer, M. and Boys, B.L. (2015). "Global Fine Particulate Matter Concentrations from Satellite for Long-Term Exposure Assessment", *Environmental Health Perspectives*, Vol. 123, PP. 135-143, DOI:-10.1289/ehp.1408646.

Van Donkelaar, A., Martin, R.V., Brauer, M., Hsu, N.C., Kahn, R.A., Levy, R.C., Lyapustin, A., Sayer, A.M. and Winker, D.M. (2016). "Global Estimates of Fine Particulate Matter Using a Combined Geophysical Statistical Method with Information from Satellites, Models, and Monitors", *Environmental Science and Technology*, doi: 10.1021/acs.est.5b05833.

Whaites, Alan. (2002). "Masters of Their Own Development? PRSPs and the Prospects for the Poor". Monrovia, CA: World Vision International.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-03]